

نگاهی به برخی ویژگی‌های نگرشی و نگارشی محمدعلی علمی در داستان نویسی



• مرجان عالی‌شاهی

جهان داستانی علمی



«محمدعلی علمی» داستان‌پرداز و رمان‌نویس برجسته ایرانی، قبل از آن که داستان‌نویس باشد، پژوهشگر پرتلاش فرهنگ و ادبیات فارسی بود. ضمن ادای احترام به روح بلند او که به جهان قصه‌ها پیوسته است، باید منتظر باشیم شخصیت برجسته‌اش از این پس روایتگر داستان‌هایی باشد که دوستان نویسنده‌اش از او خواهند نوشت.

علمی آنقدر با داستان و قصه عجین بود که مطمئن هستیم بعد از مرگش هم داستان‌های شیرینی از او خواهیم شنید.

در این سوگنامه که در رسای قلم از دست رفته محمدعلی علمی و جان فدا شده او در راه نوشتن و اعتلای فرهنگ فارسی است؛ می‌خواهم به پایه‌های اندیشه غنی و دغدغه‌های این نویسنده شهیر و انسان دوست بپردازم.

یکی از منابع و سرچشمه‌های فکری علمی، شناخت اسطوره‌ها و فرهنگ ایرانی و ادبیات کلاسیک فارسی بود که اشراف کامل و تسلط خوبی بر آن داشت و یکی از بزرگترین دغدغه‌های همه زندگی‌اش شناساندن فرهنگ و تمدن فارسی به نسل جدید بود.

او سال‌ها پیش، آن زمانی که وارد عرصه ادبیات فارسی شد، برای هویت ملی ما احساس خطر می‌کرد و معتقد بود که فقط ادبیات می‌تواند هویت ایرانی را نجات بدهد. آن زمان که او قدم در مسیر احقاقی حق زبان و فرهنگ و ادبیات فارسی گذاشت، هنوز ما با این حجم از ترجمه‌های داستانی مواجه نشده بودیم.

ترجمه‌هایی که فرهنگ و تمدن ایرانی، قصه‌های بسیار قوی‌تر و درخشان‌تر از آنها را برای ما به ارث گذاشته است؛ ولی متأسفانه چون کمتر نویسنده‌ای سراغ شان رفته، برای نسل امروز ناشناخته و همچنان در لایه‌های ادبیات سنگین کلاسیک و تاریخ ناخوانده و ناپرداخته قدیم مسکوت باقی مانده است.

در جوامع بشری، یک شاخصه مهم و کاربردی را برای انسان مدرن متصور می‌شوند که هرکجا به آن اهمیت داده‌اند و آن ویژگی بشری جایگاه اصلی خودش را یافته، توانسته خدمات زیادی به جامعه ارائه بدهد که بارزترین آن خدمات، شناساندن فرهنگ و ادبیات آن جامعه در سطح جهانی بوده است.

این شاخصه انسانی، داستان‌پردازی انسان است که امتیاز و توانایی جدید و تازه‌ای نیست، اما در جوامع مدرن، پس از گذر از سنت‌ها به شکل ارتقاء یافته و کامل آن مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان ابزار دفاعی و تبلیغی برون مرزی فرهنگ و تمدن و زبان استفاده می‌شود.

هنر از دیرباز پرچمدار و معرف تمدن‌ها، زبان‌ها و اندیشه‌های مختلف بشری بوده است. در جامعه ایرانی به این مهم آنچنان که باید توجه نشده و انسان داستان‌پرداز، جایگاه واقعی خودش را پیدا نکرده است. پس هنوز نتوانسته خدمت شایسته‌ای که توانایی انجامش را دارد، به زبان و ادبیات فارسی در جهان بکند.

من نمی‌خواهم به عواملی که سد راه نوشتن و ارائه آگاهی از سوی داستان‌نویسان توانای ایرانی است بپردازم. می‌خواهم به محمدعلی علمی بپردازم به عنوان انسانی داستان‌پرداز که تا جان در بدن داشت، تلاش خودش را برای نوشتن و ارائه توانایی‌ها و شناساندن ظرفیت‌های زبان فارسی کرد. هرچند قدر ندید.

شکل کامل اسطوره‌های عام را چنان به مخاطب معرفی می‌کند که تا مدت‌ها از خاطرش پاک نمی‌شود. اسطوره‌های محلی که نمونه کوچکتر و خرده اسطوره‌ای از نمونه‌های عام و ملی هستند، در قالب داستان‌های علمی پروبال می‌گیرند و مخاطب از هجوم بی‌وقفه آنها و صحنه‌هنرنمایی‌شان به وجد می‌آید.

می‌گویند انسان وقتی در رنج و ناتوانی و درد گرفتار می‌شود، زبان طنز را برای روایت سرگذشت خود انتخاب می‌کند. انگار که آنچه بر او رفته، تقدیری بوده که از پیش نوشته شده تا عده‌ای را بخنداند. طنز، دستمایه دیگر در روایت داستانی علمی بود که با قدرت به کار گرفته شده است. او انسان تحت ظلم حاکمین و بالادست یا انسان فرودست و شکست خورده از حماقت خویش را با تبحر به واگویی‌ها و گفتگوهای طعنه‌آمیز و کرشمه‌دار و می‌دارد.

شخصیت داستانی را بیخ گوش خواننده کتاب به زمزمه وا می‌دارد که همه ما بازیگران یک نمایشنامه خنده‌دار بوده‌ایم که کافی بود از صحنه خارج شویم، آن وقت دیگر مضحک و مایه خنده دیگران و رنج و درد خودمان نبودیم. ما می‌توانستیم برای نجات خودمان کاری بکنیم، اما ترجیح دادیم که آن نمایش طنز را بازی کنیم و با آه و افسوس به اسطوره‌ها و توانایی و قدرتشان بنگریم.

تأثیری‌پذیری مخاطب از روایت‌های داستانی علمی، به عنوان یک انسان داستان‌پرداز، برمی‌گردد به قدرت قلم او و تخیل بسیار قوی و البته شناختش از جهان داستانی که روایت می‌کرد. بارها پیش آمده کتاب او را خوانده‌ام، ولی تصاویر و و هم داستان‌ش مدت‌ها با من بوده است.

این وهم که در بیشتر رمان‌ها و داستان‌های علمی، لایه‌های پنهان داستان را پُر کرده است؛ حاصل زندگی کویرنشینی و زیست در بیابان و همنشینی با باد و اصوات آن است. یکی از ویژگی‌های مهم انسان داستان‌پرداز، زندگی در شرایط داستانی است. کویر و زندگی در حاشیه کویر، شرایط خارق‌العاده‌زیستی برای علمی فراهم کرده بود تا او را توانمند در روایت وهم و ترس پرورش بدهد.

روایت‌های داستانی علمی، صدادار هستند. اصوات بدون تکیه به واژه‌ها نقش مهمی در ایجاد فضای حیرت و وهم در جهان داستانی او دارند. قدرت توصیف و القای صداها، روان‌خواننده را درگیر می‌کند. نویسنده صدای باد، جوشش آب، شعله کشیدن آتش را در بطن متن نهاده است. او جزئیات زیادی از فرهنگ زیستی، حتی اطلاعات ذهنی شخصیت‌های داستانش می‌داند که با قدرت قلمش آن را به مخاطب کتابش ارائه می‌دهد.

ما بعد از خواندن سوگ مغان، پریباد، داستان‌های غریب مردم عادی، خانه کوچک و ... در می‌یابیم که مردمان ما همیشه رؤیاهای بلندی داشته‌اند که گذشت زمان و مصائب هستی و رنج حیات نتوانسته آنها را از زندگی که دارایی باارزشی است، ناامید کند. اسطوره‌ها چون پناهی محکم با زندگی مردم عادی پیوند خورده‌اند و افسانه‌ها از جهان ناشناخته و دور از دسترس به بستر زیست مردم کوچه و بازار خزیده‌اند تا زندگی طاقت‌فرسا را دلپذیر و یا بهتر بگوییم قابل تحمل بکنند.

جای خالی محمدعلی علمی، این انسان داستان‌پرداز و روایتگر شریف زندگی، در ادبیات ما خیلی احساس خواهد شد. هرچند او تا جایی که فرصت زندگی داشت، فرهنگ و هویت ملی ما را یاری رساند.

در پس هر شعر، یک روایت داستانی و قصه و حکایت، چون کوه ایستاده است. بیشتر این روایت‌ها هم داستان‌های عاشقانه و البته اسطوره‌ای هستند. اسطوره‌ها زمانی شکل گرفته‌اند که انسان در رنج و سختی، بی‌پناه و درمانده، البته امیدوار باقی مانده است. محمدعلی علمی از معدود داستان‌نویسانی بود که بعد از کشف غنای ادبیات کلاسیک ایرانی، تصمیم گرفت برای اعتلای هویت ایرانی، خرده روایت‌های فرهنگی را ارزش بگذارد و وارد دنیای داستانی مدرن بکند.

علمی اسطوره‌ها را که منبع و سرچشمه خیلی از روایت‌های داستانی هستند، از دل روایت‌های منظوم و شفاهی جستجو کرد، یافت، شناخت و با به خدمت‌درآوردن آنها در قالب داستان، حق بزرگی برای خود بر گردن فرهنگ ایرانی و ادبیات داستان فارسی به یادگار گذاشت.

او چهره‌ها و الگوها و نمادهای معمولاً غیرانسانی و خداگونه را به شکل انسانی، شهری و البته شگفت‌انگیز در رمان‌هایش مطرح کرد و تا جایی که دنیای گسترده داستانی به او میدان می‌داد، آن همه ناشناخته را در جامعه امروزی به انسان امروزی معرفی کرد. آن همه فراواقعیت را در جهان واقعی گنجانده و در قالب داستان هویت و آبرو و اعتبار ایرانی را ارج نهاد. کسانی که جهان داستانی علمی را می‌شناسند، بر این باور هستند که او به عنوان داستان‌پرداز، چنان به روایت اسطوره‌ها پرداخته که فردوسی در شاهنامه برای حفظ زبان فارسی حماسه‌سرایی کرده است. او را نویسنده انسان محوری می‌دانند که بر اصول فکری و باورهای اقلیم جنوبی چتر گسترانده و به روایت‌های طبیعت محور، باور و دین محور و البته زن محور، آن غنای فرهنگی را با تسلط کامل روایت کرده است.

هماهنگی زبان و روایت او با روایت‌های بومی و محلی از اسطوره‌های جنوبی خواننده را متحیر می‌کند.

محمدعلی علمی، انسانی داستان‌پرداز بود. از این جهت که همیشه در حال نوشتن، تحقیق و پژوهش بود و توانست افق روشنی در ادبیات داستان فارسی، پیش روی مشتاقان نوشتن باز کند و آن افق به کارگیری اسطوره و افسانه‌های کلاسیک و عامیانه در قالب داستان امروز است که زبان جادوگر فارسی، ظرفیت باشکوهی در روایت آن دارد.

علمی نویسنده‌ای است که داستان و قصه و روایت، بخش عمده زندگی او بود. او در داستان زاده شده بود. محل تولد او سرزمین روایتگران گمنامی است که قصه‌های شفاهی را سینه به سینه، نسل به نسل نقل کرده بودند تا به او برسد که پژوهشگر و جستجوگر حوادث و ماجراهای داستانی در بستر تاریخ بود. هرچای آن دیار پامی گذاشت، در کوچه‌پسکوبچه‌ها و محله‌ها، همه از اقوام و طوایف مختلف برای او داستان‌های اسطوره‌ای نقل می‌کردند.

او در بین انبوهی از روایت‌های داستانی پرورش یافت و در جوار ارگ بم که خود داستانی نانوخته اما نقل شده بود، بزرگ شد و خوراک ذهنش شب و روز قصه بود. او در داستان‌ها بیشتر از واقعیت زندگی، زیست کرد. زیرا مردمانی که بین آنها زندگی می‌کرد، اسطوره‌ها و قصه‌ها را بیشتر از سیاست و اقتصاد و دیگر واقعیت‌های زندگی می‌شناختند. گفتگوی روزمره آن مردم، بیشتر از قهرمانان و اسطوره‌ها بود تا آدم‌های واقعی که زمام امور مملکت را در دست گرفته بودند. جامعه ایرانی از قدیم الایام به جامعه‌ای شعر دوست و شاعر مسلک معروف بوده است. اما واقعیت این است که ایرانی‌ها بیشتر از عروض و قافیه و وزن و زیبایی شعر، دل‌باخته روایت‌های داستانی به نظم درآورده شده بوده‌اند. وقتی به ادبیات در اقلیم‌های مختلف سرزمین پهناورمان می‌پردازیم، درمی‌یابیم که خرده روایت‌های داستانی زیادی بین مردم و یا بهتر بگوییم نسل قدیمی‌تر وجود دارد که موجب شکل‌گیری شعر و نظم در آن منطقه شده است.